

*Two seasons of a promotion,
The Quran and Science studies*

*Vol.2, No. 3,
Spring & Summer 2018*

P 89 - 111

دو فصل نامه علمی-تخصصی

مطالعات قرآن و علوم

س ۲ ش ۳ بهار و تابستان ۱۳۹۷

صفحات ۸۹ تا ۱۱۱

نظریه سازمانی و مدیریتی مبتنی بر اصل اخوت

علی آقا صفری*

چکیده

اخوت و برادری از مفاهیم رایج و با ارزش فرهنگ اسلامی بوده و آیات متعدد و روایات گوناگون به آن پرداخته‌اند. با توجه به اهمیت و نقش کلیدی آن در رشد و تعالی سازمان، نگارنده سعی نموده است که با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر آیات و روایات آثار و کارکردهای آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که در شرایط کنونی که عداوت و کینه‌توزی، حسادت و خود برتر بینی و... به اوج خود رسیده؛ می‌توان با استمداد از آموزه‌های وحیانی که مسئله اخوت را مطرح نموده و حقوق ناشی از آن را به زیبای تشریح کرده، آن را در سازمان نهادینه کرد و از این طریق جلوی ظلم، رقابت‌های ناسالم، حرص، خودخواهی و... را گرفت و زمینه مشارکت، تعاون، مساوات، اعتماد، امنیت و سعادت دنیوی و اخروی را فراهم نمود. همچنین مشخص شد که با حاکم شدن نظام بر خواسته از برادری آنچه بیش از سود و منفعت فردی حائز اهمیت است، منفعت جمعی و حاکم شدن سعادت و خوشبختی همگان در سازمان است که در پرتوی آن منفعت فرد نیز افزایش می‌یابد و سبب می‌شود که سازمان با سرعت بیشتری به سوی رشد و

* دانش آموخته دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه، مجتمع آموزش عالی

امام خمینی (ره)، مدرسه عالی قرآن و حدیث، a.a.safari1364@gmail.com

توسعه همه جانبه گام بردارد... و نیز روشن گردید که اخوت و برادری علاوه بر اثرات ساختارگرایانه بر سازمان و فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت رشد و توسعه، می‌تواند مشکلات سرمایه‌ای طرح‌های سازمانی را با کمترین هزینه حل نماید و سرمایه‌های مادی مورد نیاز آن‌ها را تأمین کند.

واژگان کلیدی: قرآن، جامعیت، مدیریت، سازمان، نظریه، اخوت.

مقدمه

مسئله «اخوت» از جمله موضوعات است که قرآن کریم در آیات متعددی بدان اشاره کرده است؛ برای نمونه آنجا که از امت‌های انبیای گذشته سخن گفته است، حضرت صالح (ع) «وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمُ صَالِحًا» (هود/۶۱)، حضرت شعیب (ع) «وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا» (اعراف/۸۵)، حضرت هود «وَإِلَىٰ عادٍ أَخَاهُمُ هُودًا» (اعراف/۶۵)، را برادران آنان معرفی نموده است. همچنین خدای سبحان در سوره حجرات آیه ۱۰ خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»، در حقیقت، مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید؛ امید که مورد رحمت قرار بگیرید! در واقع این آیه، مؤمنان را به اخوت و برادری دعوت کرده است و از هرگونه تفرقه بازمی‌دارد تا بر اساس «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح/۲۹)، به خوبی و مهربانی در زیر سایه اسلام، زندگی مسالمت‌آمیزی داشته باشند، بنابراین باید کسی را که در دایره حوزه اسلامی به داعیه مؤمن بودن خود، به جان مردم می‌افتد و اختلاف ایجاد می‌کند، از این کار بازداشت و آن اختلاف را حل کرد، (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۷۹).

با عنایت به گستردگی آیات کلام وحی درباره الفت و اخوت نگارنده در این نوشتار به دنبال این است نقش و کارکردهای اخوت در سازمان‌های اسلامی را تبیین و تشریح کند؛ تا مشخص شود که پیامبر گرامی اسلام (ص) مسلمانان را ملزم به پابندی چه امری از امورات سازنده و مؤثر نموده است که در صورت کاربست آن سازمان‌ها به

رشد و تعالی می‌رسند و تضاد و تعارض از جامعه مسلمین رخت بر می‌بندد، همچنین از این طریق جامعیت و جهانی بودن قرآن کریم را ترسیم نموده و گامی مؤثر در راستای کاربردی کردن آموزه‌های وحیانی بردارد.

۱- مفهوم شناسی

با توجه به اینکه معنای لغوی و اصطلاحی یک واژه در درک و فهم صحیح مفهوم و همچنین تجزیه و تحلیل و کاربرد آن نقش به‌سزای دارد؛ لازم است که قبل از ورود به بحث معنای لغوی و اصطلاحی واژه اخوت مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱-۱- اخوت در لغت

اخوت، مصدر «أخ» و به معنای برادری، دوستی و مصاحبت آمده است. معنای اصلی و حقیقی «أخ»، شریک در ولادت یا شیرخوارگی است که برادر نسبی و رضاعی را شامل می‌شود و در دیگر مفاهیم مانند هم‌قبیله‌گی، مشارکت در کار و صنعت، دین و دوستی، به صورت استعاره و مجاز به کار رفته است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۸)، مصطفوی بعد از ذکر اقوال دیگران درباره معنای لغوی این واژه می‌گوید: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ تَشَارِكٌ فِي نَسَبٍ أَوْ فِي أَمْرِ مَادِيٍّ أَوْ مَعْنَوِيٍّ يَجْمَعُهُمَا ذَلِكَ الْأَمْرُ» (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۴۸/۱)، با این وجود معنای اصلی و اساسی این واژه همان مشارکت و شریک بودن است که موجب صدیق اخوت و برادری بین دو نفر می‌گردد.

ب) اخوت در اصطلاح

- ۹۱ علامه طباطبایی درباره تعریف اصطلاحی این واژه می‌فرماید: اخوت در اسلام عبارت است از نسبتی که بین دو نفر برقرار است، و در نکاح و ارث آثاری دارد، حال چه اینکه اخوت طبیعی باشد و چه رضاعی که البته اخوت رضاعی آثاری در مساله ازدواج دارد ولی در ارث ندارد- و چه اخوت دینی که آثاری اجتماعی دارد، و در نکاح و ارث اثر ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۱۶/۱۸).

۲- پیشینه کاربرد اخوت

طرح برادری و استفاده از این واژه از ابتکارات اسلام است. در صدر اسلام پیامبر صلی الله علیه و آله به همراه هفتصد و چهل نفر در منطقه «نخیله» حضور داشتند که جبرئیل نازل شد و فرمود: «خداوند میان فرشتگان عقد برادری بسته است. حضرت نیز میان اصحابش عقد اخوت بست و هر کس با دیگری که همفکرش بود برادر می‌شد. مثلاً: ابوبکر با عمر، عثمان با عبدالرحمن، سلمان با ابوذر، طلحه با زبیر، مصعب با ابویوب انصاری، حمزه با زید بن حارثه، ابودرداء با بلال، جعفر طیار با معاذ بن جبل، مقداد با عمار، عایشه با حفصه، ام السلمه با صفیه و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله با حضرت علی (ع) برادر شدند». (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۸/۳۳۵).

۳- واژه اخوت و مشتقات آن در قرآن

واژه «اخ» و مشتقات آن به صورت‌های مفرد، تثنیه و جمع ۹۶ بار در ۳۱ سوره و ۸۰ آیه قرآن آمده است. در برخی از آیات، «اخ» به معنای برادر نسبی یا رضاعی به کار رفته، مانند مواردی که داستان برخی برادران آمده است؛ هم‌چون داستان هابیل و قابیل (مائده/۲۷-۳۱)، داستان موسی و هارون (اعراف/۴۲)، داستان یوسف و برادرانش (یوسف/۱۲)، و آیاتی که از احکام برادری چون ارث (نساء/۱۲)، و رابطه محارم نسبی (نور/۴۲-۳۱)، سخن به میان آورده (برادر) و آیاتی که مرز دین‌داری را از مرز روابط نسبی و برادری جدا ساخته و از مؤمنان خواسته در صورت گمراهی، از آنان فاصله بگیرند.

«... لا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ...» (توبه/۲۳)، و نیز آیاتی از گریز برادران از یکدیگر در روز قیامت خبر داده است: «يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ» (عبس/۳۴)؛ و هدایت‌یابی و برگزیدگی شماری از برادران پیامبران (انعام/۸۷)، گزارش شده است.

در پاره‌ای از آیات که از پیامبران به صورت برادران امت خود یاد شده، هم‌چون «وَأِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا» (اعراف/۶۵)، «إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ» (شعراء/۱۰۶)، و...، اخوت به مفهوم برادری عاطفی به کار رفته است؛ پیامبران به سبب دل‌سوزی و مصلحت‌جویی درباره امت خود و کوشش برای سعادت آنان به مثابه برادر به آنان سود رسانده‌اند. برخی از مفسران بر این باورند که در همه این موارد یا دست کم درباره هود، «اخ» به معنای حقیقی خود به کار رفته؛ زیرا آنان جزو امتی بودند که با چند واسطه، به یک پدر منتهی می‌شدند.

در بخشی دیگر از آیات، اخوت به معنای هم‌راهی و هم‌گرایی آمده است؛ نظیر آیاتی که از برادری منافقان و کافران با یکدیگر سخن گفته است: «... لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ...» (آل عمران/۱۵۶)، «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمْ...» (حشر/۱۱)؛ زیرا آنان در مبارزه با اسلام و مسلمانان و عدم پذیرش آیین الهی با یکدیگر هم‌راه و هم‌گرا بوده‌اند. چنان‌که تَبذیرکنندگان به سبب هم‌گرایی با شیطان، برادران او معرفی شده‌اند: «وَ إِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوهُمْ فِي الْغَيِّ...» (اعراف/۲۰۲)، یارانشان آنان را به گم‌راهی می‌کشاند به معنای هم‌گرایی شیطانی و آیه «وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ إِلَيْنَا» (احزاب/۱۸)، کارشکنان در جنگ به برادرانشان می‌گفتند: نزد ما بیایید... «نیز در معنای برادری و هم‌گرایی در کفر و نفاق به کار رفته است.

در برخی دیگر از آیات، اخوت به معنای برادری دینی و اسلامی آمده است. چنان‌که مؤمنان را برادران یکدیگر: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰)، یا مشرکان پیمان‌شکن را که توبه کرده، به انجام نماز و پرداخت زکات روی آورند، برادران مؤمنان: «فَإِنْ تَابُوا وَ

أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ...» (توبه/۱۱)، دانسته و از مؤمنان خواسته شده است تا برای برادران دینی پیش از خود بخشش و صفای دل بخواهند: «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ...» (حشر/۱۰)، چنان‌که از پسرخوانده‌هایی که پدرانشان مشخص نیست، با عنوان برادران دینی یاد کرده است: «...فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا آبَاءَهُمْ فِإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ...» (احزاب/۵).

بنابر این اخوت و برادری در قرآن به معانی مختلفی استعمال شده است. در مواردی به برادر نسبی و گاهی به برادری اعتقادی و فکری اطلاق شده است. برادری در حوزه اعتقادات به صورت عام، خاص و اخص مطرح گردیده است. هر مرتبه از مراتب این اخوت حقوق و تکالیف خاصی را به عهده افراد می‌گذارد که در حوزه فقه و اخلاق مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

۴- واژه اخوت در روایات

همانطور که قرآن کریم مسلمانان را برادر یک دیگر معرفی می‌کند و می‌گوید آنها نسبت به یکدیگر حقوقی دارند که باید رعایت شود؛ روایات نیز مسلمان را برادر هم دیگر دانسته و حقوق آنها را نسبت به هم بیان می‌کنند که در این سطور به پاره‌ای از آن حقوق اشاره می‌گردد.

پیامبر اکرم (ص) در روایات مختلف به این اخوت و برادری اشاره کرده و برخی از حقوق آن را به صورت زیبا یادآوری نموده می‌فرماید: «الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لَا يَظْلِمُهُ وَ لَا يُسْلِمُهُ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۱/ ۱۲۸)؛ مسلمان، برادر مسلمان است، هرگز به او ستم نمی‌کند، دست از یاریش بر نمی‌دارد و او را در برابر حوادث تنها نمی‌گذارد. و در بیانی دیگر فرموده‌اند: «مَثَلُ الْأَخَوَيْنِ مَثَلُ الْيَدَيْنِ تَغْسِلُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى» (پاینده، ۱۳۸۲: ۷۲۰)؛ دو برادر دینی همانند دو دست هستند که هر کدام دیگری را می‌شوید. و در

بیان امام صادق (ع) آمده است: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ اشْتَكَى شَيْئًا مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ وَأَرْوَاحُهُمَا مِنْ رُوحٍ وَاحِدَةٍ وَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ لَأَشَدُّ اتِّصَالًا بِرُوحِ اللَّهِ مِنْ اتِّصَالِ شُعَاعِ الشَّمْسِ بِهَا» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۶/۲)؛ مؤمن، برادر مؤمن است و همانند یک پیکنند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضایش نیز آن درد را در خود، احساس می‌کنند. روح آن دو مؤمن، از یک روح است. پیوند روح مؤمن به روح خداوند، بیشتر از پیوند پرتو خورشید به خورشید است.

اخوت و برادری در جامعه اسلامی نعمت بسیار بزرگی است، که باید بر استحکام آن تلاش کرد. لذا حضرت امیر (ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر می‌نویسد: «فَإِنَّهُمْ (النَّاسَ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ)» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۲۷)؛ مردم، دو دسته‌اند: دسته ای برادر دینی تواند و دسته دیگر، در آفرینش همانند تو این جمله که بر اساس حقوق شهروندی صادر شده است، در زندگی مسالمت آمیز بسیار حائز اهمیت است. و به همین جهت روانیست جامعه اسلامی در مسیر تفرقه و جدائی و نزاع و جدال قرار گیرد.

برای استمرار اخوت و برادری باید انصاف را درباره آنها رعایت نمود. چه اینکه امام علی (ع) در این باره فرموده است: «مَعَ الْإِنصَافِ تَدُومُ الْأُخُوَّةُ» (تمیمی آمدی ۱۴۱۰: ۳۹۵)؛ با انصاف، برادری ادامه می‌یابد». موضوع انصاف آنقدر مهم است که پیامبر اکرم (ص) آنرا جزء سید الاعمال معرفی می‌کنند، و می‌فرماید: «سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: إِنْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ وَ مُوَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ ذِكْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴۵/۲)؛ سرور کارها سه چیز است: انصاف داشتن با مردم، کمک و همدردی در راه خدا با برادر [دینی خود] و در همه حال به یاد خداوند متعال بودن» همچنین

نقل شده زمانی که پیامبر اکرم (ص) هفت ساله شد روزی به دایه اش حلیمه سعديه فرمود: برادرانم کجا هستند؟ جواب داد فرزند عزیز، آنان گوسفندانی را که خداوند به برکت وجود تو به ما رحمت کرده است به چراگاه می برند. طفل گفت: مادر، درباره من به انصاف رفتار نمودی، مادر پرسید: چرا؟ فرمود: آیا سزاوار است که من در سایه خیمه باشم و شیر بنوشم و برادرانم در بیابان برابر آفتاب سوزان باشند. «فَلَمَّا صَارَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ قَالَ لَأُمِّهِ حَلِيمَةَ يَا أُمِّي أَيْنَ إِخْوَتِي؟ قَالَتْ: يَا بَنِيَّ إِنَّهُمْ يَرْعُونَ الْغَنَمَ الَّتِي رَزَقَنَا اللَّهُ بِهَا يَا بَيْرَكْتِكَ قَالَ يَا أُمَّاهُ مَا أَنْصَفْتَنِي قَالَتْ: كَيْفَ ذَلِكَ يَا وَدِي؟ قَالَ أَكُونُ أَنَا فِي الظِّلِّ وَإِخْوَتِي فِي الشَّمْسِ وَالْحَرِّ الشَّدِيدِ وَأَنَا أَشْرَبُ مِنْهَا اللَّبَنَ» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۷۶/۱۵).

امام سجاد (ع) در خصوص حق برادر می فرماید: «وَأَمَّا حَقُّ أَخِيكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ يَدُكَ الَّتِي تَبْسُطُهَا وَظَهْرُكَ الَّذِي تَلْتَجِيءُ إِلَيْهِ وَعِزُّكَ الَّذِي تَعْتَمِدُ عَلَيْهِ وَقُوَّتُكَ الَّتِي تَصُولُ بِهَا فَلَا تَتَّخِذْهُ سِلَاحًا عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَلَا عُدَّةً لِلظُّلْمِ بِحَقِّ اللَّهِ وَلَا تَدْعُ نُصْرَتَهُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَعُونَتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَالْحَوْلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ شَيَاطِينِهِ وَتَأْدِيبَةَ النَّصِيحَةِ إِلَيْهِ وَالْإِقْبَالَ عَلَيْهِ فِي اللَّهِ فَإِنَّ انْقَادَ لِرَبِّهِ وَأَحْسَنَ الْإِجَابَةِ لَهُ وَإِلَّا فَلْيَكُنِ اللَّهُ آثَرَ عِنْدَكَ وَ أَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ» (ابن شعبه حرانی ۱۴۰۴: ۲۶۳)، و اما حق برادرت اینست که بدانی او دست تو است، که با آن کار می کنی! و پشت و تکیه گاه توست، که به او پناه میبری، و عزت توست که به او اعتماد داری، و قوت و نیروی توست که با آن یورش میبری؛ پس او را به عنوان سلاح در نافرمانی خدا به کار مگیر و او را به شکل ابزاری برای ظلم به آفریدگان خدا سود مجوی، و او را درباره خودش یار باش و بر علیه دشمنش کمک کار، و فاصله ای برای رهانیدن او از تسلط شیطان باش. و حق اندرز او را بجای آور و برای رضای خدا به او رو کن. اگر خدای بزرگ را اطاعت کرد و فرمان او را اجابت کرد ک بسیار خوب! و در غیر این صورت

خدای متعال را بر او و خواسته اش مقدم بدار و خدای عزیز را نزد خود گرامی تر داشته باش».

بی شک امام(ع) نگاه جامعی نسبت به موضوع اخوت و برادری دارد؛ زیرا آن حضرت از این جهت که مومنان برادر یکدیگرند، درصدد استحکام این روابط است.

با توجه به اینکه در این باره روایات بسیار زیاد بوده و ذکر تمام آنها مجال دیگر می-طلبد، به یک روایت دیگر از پیامبر گرامی اسلام (ص) بسنده می‌کنیم. به نظر نویسنده این نوشتار ذکر همین یک روایت اهمیت و نقش این پیوند مقدس و نیکو را به خوبی تشریح می‌نماید و به جامعه بشری می‌آموزد که اگر این شعار اصیل و عمیق و پرمعنا در زندگی بشریت نهادینه شود و حقوق ذکر شده رعایت شود؛ هیچگاه بشر دیگر شاهد این همه خصومت، عداوت، حق‌کشی و حق‌خوری نخواهد بود.

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لِلْمُسْلِمِ عَلَى أَخِيهِ ثَلَاثُونَ حَقًّا لِبَرَاءَةٍ لَهُ مِنْهَا إِلَّا بِالْإِدَاءِ أَوْ الْعَفْوِ: يَغْفِرُ زَلَّتَهُ وَ يَرْحَمُ عِبْرَتَهُ وَ يَسْتُرُ عَوْرَتَهُ وَ يَقْبَلُ عَثْرَتَهُ وَ يَقْبَلُ مَعْذَرَتَهُ وَ يَرُدُّ غِيْبَتَهُ وَ يَدِيْمُ نَصِيْحَتَهُ وَ يَحْفَظُ خَلْتَهُ وَ يَرْعَى ذِمَّتَهُ وَ يَعُوْدُ مَرْضَتَهُ وَ يَشْهَدُ مِيْتَهُ وَ يَجِيْبُ دَعْوَتَهُ وَ يَقْبَلُ هَدِيْتَهُ وَ يَكْفِيْ صَلْتَهُ وَ يَشْكُرُ نِعْمَتَهُ وَ يَحْسِنُ نَصْرَتَهُ وَ يَحْفَظُ حَلِيْلَتَهُ وَ يَقْضِيْ حَاجَتَهُ وَ يَشْفَعُ مَسْأَلَتَهُ وَ يَسْمِتُ عَطْسَتَهُ وَ يَرْتُدُّ ضَالَّتَهُ وَ يَرُدُّ سَلَامَهُ وَ يَطِيْبُ كَلَامَهُ وَ يَبِيْرُ اِنْعَامَهُ وَ يَصْدُقُ اِقْسَامَهُ وَ يُوَالِيْ وَلِيَّهِ وَ لِيَايَعَادِيْهِ وَ يَنْصُرُهُ ظَالِمًا وَ مَظْلُوْمًا، فَاَمَّا نَصْرَتُهُ ظَالِمًا فَيُرَدُّ عَنْ ظُلْمِهِ، وَ اَمَّا نَصْرَتُهُ مَظْلُوْمًا فَيُعِيْنُهُ عَلٰى اَخْذِ حَقِّهِ وَ لِيَايَسْلِمُهُ وَ لِيَاخْذُلُهُ وَ يَحِبُّ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ يَكْرَهُ لَهُ مِنَ الشَّرِّ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ» (حر

عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱۲/۱۲)؛ پیامبر اسلام (ص) فرمود: مسلمان بر برادر مسلمانش سی حق دارد که برائت ذمه از آن حاصل نمی‌کند مگر به ادای این حقوق یا عفو کردن برادر مسلمان او لغزشهای او را ببخشد، در ناراحتیها نسبت به او مهربان باشد، اسرار او را پنهان دارد، اشتباهات او را جبران کند، عذر او را بپذیرد، در برابر بدگویان از او دفاع

کند، همواره خیرخواه او باشد، دوستی او را پاسداری کند، پیمان او را رعایت کند، در حال مرض از او عبادت کند، در حال مرگ به تشییع او حاضر شود. دعوت او را اجابت کند، هدیه او را بپذیرد، عطای او را جزا دهد، نعمت او را شکر گوید، در یاری او بکوشد، ناموس او را حفظ کند، حاجت او را برآورد، برای خواسته اش شفاعت کند، و عطسه اش را تحیت گوید. گمشده اش را راهنمایی کند، سلامش را جواب دهد، گفته او را نیکو شمرد انعام او را خوب قرار دهد، سوگندهایش را تصدیق کند، دوستش را دوست دارد و با او دشمنی نکند، در یاری او بکوشد خواه ظالم باشد یا مظلوم: اما یاری او در حالی که ظالم باشد به این است که او را از ظلمش باز دارد، و در حالی که مظلوم است به این است که او را در گرفتن حقش کمک کند. او را در برابر حوادث تنها نگذارد، آنچه را از نیکیهها برای خود دوست دارد برای او دوست بدارد، و آنچه از بدیها برای خود نمی خواهد برای او نخواهد.

۵- اخوت در سازمان

از مجموع مباحث مطرح شده درباره اخوت و برادری معانی لغوی، اصطلاحی، پیشینه، دیدگاه آیات و روایات مشخص شد. در این قسمت از بحث با بهره گیری از آیات و روایات نقش این پیوند مقدس و مستحکم را در سازمان مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم. غرض آن که در صورت نهادینه شدن این عنصر حیات بخش و ارزشمند چه تغییر و تحولی در سازمان ها ایجاد خواهد شد؟.

جهت تبیین مسئله ابتدا باید شرایط عصر نزول این آموزه وحیانی را مورد بحث و بررسی قرار دهیم؛ تا روشن شود که پیامبر گرامی اسلام (ص) تحت چه شرایط و

موقعیتی و در برابر چه مردمانی با چه ویژگی و آداب و رسوم و فرهنگی مسلمانان را امر به التزام و پایبندی آن نموده است.

برای اینکه به خوبی ویژگی و خصوصیات مردم عصر رسول گرامی اسلام (ص) شناخته شود، به این فرمایش امیر مؤمنان که درباره آنان بیان نموده اشاره می‌شود: حضرت می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) نَذِيرًا لِلْعَالَمِينَ وَأَمِينًا عَلَى التَّنْزِيلِ وَأَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَفِي شَرِّ دَارٍ مُنِيخُونَ بَيْنَ حِجَارَةٍ خُشْنٍ وَحَبَاتٍ صَمِّ تَشْرَبُونَ الْكَدْرَ وَتَأْكُلُونَ الْجَشِبَ وَتَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَتَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنْصُوبَةٌ وَالْأَثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ» (سید رضی، نهج البلاغه/خ ۲۶)، خداوند، محمد صلی الله علیه وآله را بیم دهنده جهانیان، و امین وحی و کتاب خود مبعوث نمود. و شما گروه عرب در بدترین جاها بسر می‌بردید. در میان سنگلاخ‌ها و مارهای کر (که از هیچ صدایی نمی‌رمیدند) اقامت داشتید. آب‌های لجن را می‌آشامیدید و غذاهای خشن (مانند رد هسته خرما و سوسمار) می‌خوردید و خون یکدیگر را می‌ریختید، و از خویشاوندان دوری می‌کردید، بت‌ها در میان شما سرپا بود، از گناهان اجتناب نمی‌نمودید ...

از این بیان نورانی بدست می‌آید که خوی درندگی و وحشی‌گری در آنان وجود داشته و فرسنگ‌ها با انسانیت فاصله داشته‌اند.

طبیعی است که غارتگری، قتل نفس، باده‌گساری و... چیزی جز رذالت و خبائث را به همراه نداشته و انسان را از جرگه انسانیت به جرگه حیوانت و پس‌تر و پایین‌تر از آن سوق می‌دهد.

از دیگر ویژگی‌های که مؤرخان و اندیشمندان حوزه تاریخ برای مردم عصر نبی مکرم اسلام (ص) نقل کرده‌اند این بوده است که آنان بر سر کوچک‌ترین مسائل جنگ‌های بزرگی به راه می‌انداختند که شاید سال‌ها به طول می‌انجامید. این جنگ‌ها را

«ایام‌العرب» نامیده‌اند که برخی از آنان تا چهل سال نیز ادامه می‌یافت. (ر.ک: عمر فروخ، ۱۹۸۴: ۱۰۵/۷۷).

اعراب در دوران جاهلیت به سرزمین‌های مختلفی حمله و آنها را غارت می‌کردند. در دست درازی به اموال مردم و غارت حدّ و مرزی نمی‌شناخته و جز زبان شمشیر زبان دیگری نمی‌دانستند. (ابن خلدون، بی‌تا: ۱۴۹)، آنان چیزی جز قدرت و زور را نمی‌شناختند و جز در برابر آن خضوع نمی‌کردند. اعراب جاهلی بر همین پایه حق را تعیین کرده و عدالت را بر همان اساس قرار می‌دادند. (جوادی علی، ۱۴۱۳: ۲۹۶/۴)، آنان حتی در این باره شعر نیز می‌سرودند. (حتی، ۱۳۶۶: ۳۵).

اینها گوشه‌ای از صفات و خصلت‌های زشت و مزموم مردم عصر نزول وحی بوده است که آیات و روایات گزارش می‌دهند.

خداوند متعال برای اینکه جلوی تخاصم و تضاد و خون‌آشامی‌های آنان را بگیرد و بین آنان الفت و محبت را برقرار سازد رفت روی قلب و آنجا را فعال کرد. در واقع جهت فراهم نمودن و کاشتن نهال صفا و صمیمیت از قلب که جوهر اصلی و اساسی انسان است شروع نمود و خطاب به آنان می‌فرماید: «وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَآلَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ اِخْوَانًا» (آل عمران/۱۰۳)، شما در دوره جاهلیت زندگی می‌کردید که عداوت، بغض و کینه و خون‌ریزی و سفاکی سراپای وجودتان را گرفته بود. پس از آنکه با هم دشمن خونین و با هم بی‌جنگ بودید و پس از آن چنان گشتید که هر کدام مراد (و محبوب) دیگری شدید. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۰۶/۲).

قرآن کریم در این آیه شریفه به نعمت بزرگ اتحاد و برادری اشاره کرده و مسلمانان را به تفکر در وضع اندوهبار گذشته، و مقایسه آن «پراکندگی» با این «وحدت» دعوت می‌کند، می‌گوید: «و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود به یاد آرید که چگونه دشمن

یکدیگر بودید و او در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد، و به برکت نعمت او برادر شدید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۰/۳)، در زمانی این اتفاق افتاد که عقل خرد ورز کارآی اش را از دست داده بود. و خداوند متعال برای رهای و نجات از پرتگاه آنان را برادر یک دیگر قرار داد و آنان نیز به واسطه این نعمت الهی پرکشیدن و نجات پیدا کردند.

لازم به ذکر است که براساس آیه شریفه سوره حجرات «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ» (حجرات/۱۰)، مسلمانان به برکت ایمان برادر یک دیگر بوده و حقوقی برگردنشان می آید اما این اخوت مرحله شروع بوده و اخوان که در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران ذکر شده شدت اخوت است. در بهشت هم شاید اخوان باشد بغض و کینه‌ای نیست (هر چه غم و اندوه برای انسان است از خود انسان است) این نظریه اخوت و برادری است، انسان برادر انسان است. البته این آیه در مورد مؤمنین است. مؤمنین جامعه نمونه و جامعه وسط است و آرمانی برای بشر است. مدل‌سازی می کند و احترازی و نفی دیگران نیست. از باب تبیین و مدل‌سازی است، یک مدل اعلامی انسانی را ترسیم می‌کند. جامعه‌ای که اساسش اخوت است، در آن جامعه محبت، علاقه، احساس، تعلق، ایثار و عشق به همدیگر موج می زند.

در آیه شریفه دو مطلب در مسئله اخوت و برادری خیلی برجسته و شاخص است.

یک اینکه تأکید روی شأن قلب و روح انسانی صورت گرفته نه روی شأن تهذیب و خرد ورزی

دوم اینکه تأکید روی عاطفه و احساس و مدنی بالطبع بودن انسان در سطح اجتماعی به‌عنوان یک واقعیت انسانی قلمداد شده است.

بنابراین اگر مسلمانان بتوانند روابط سازمانی خود را براساس نظریه اخوت و برادری طراحی کنند و آن را اصل حاکم در سازمان و تشکیلات بدانند طبیعتاً دیگر مسئله سن،

نژاد، قبیله و... ملاک و معیار شایستگی افراد قرار نخواهد گرفت. بلکه همه انسان ها در زیر چتر این نظریه می توانند زندگی کنند و به فرمایش امیر بیان علی (ع) که می فرماید: «إِمَّا أَحْ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ تَفَرُّطٌ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۲۷)، حتی غیر مسلمانان نیز به عنوان انسان می توانند از این نعمت الهی بهره مند شوند و باید مسلمانان تعامل حسنه با آنان داشته باشند.

بنابراین اگر سازمان ها براساس نظریه اخوت و برادری تأسیس، طراحی، توسعه و اداره شوند دیگر جای برای تنازع و تخاصم که امروزه دامن گیر سازمان های موجود شده است باقی نخواهد ماند و در واقع نظریه های سازمان را از اساس جا به جا خواهد کرد.

دلیل اش هم این است که اخوت و برادری حکایت از اتحاد و هبستگی داشته و یکی از کارآمدترین راهها برای انسجام و یکپارچگی افراد سازمان و همگرایی میان آنان بوده و بهترین راه برای گریز از زیانهای خانمان سوز تفرقه، تشتت و پراکندگی است چرا که در زیر چتر آن اتحاد و هم دلی و همکاری معنا و مفهوم می یابد و با حفظ توازن اجتماعی، عدالت و کاهش فاصله طبقاتی رخ می دهد لذاست که قرآن کریم محور اصلی اتحاد و وحدت را در جامعه اسلامی و بالتبع سازمان ها، برادری اعتقادی می داند. ارتباطی که از ارتباط خونی قوی تر و اساسی تر است و هوی و هوس در آن خللی نمی تواند وارد سازد.

۶- کارکردهای سازندهی اخوت در سازمان

از منظر اسلام اخوت و هم‌دلی در سازمان کارکردهای سازندهی بسیاری می‌تواند داشته باشد. بدیهی است این مقاله ظرفیت تبیین همه را ندارد؛ از این‌روی مهم‌ترین‌ها در ذیل به بحث و بررسی گرفته خواهد شد.

۶-۱- توسعه و تکامل

از منظر اسلام ریشه و اساس رشد و توسعهی پایدار پیشرفت سرمایه‌ی انسانی است البته از منظر مدیریت نیز مهم‌ترین سرمایه سرمایه‌ی انسانی است؛ زیرا منابع انسانی مولد سایر منابع سازمانی (مالی، مادی و فناوری) است.

آموزه‌های اسلامی بیانگر آن است که سرمایه‌ی انسانی وقتی به رشد و تکامل واقعی دست می‌یابد که از پیامبر خاتم (ص) که ابر مدیر جامعه‌ی بشری است، صفات و خصوصیات آن در آموزه‌های و حیانی قبل از اسلام نیز بیان شده پیروی کند. اوست که بشریت را به عملکردهای مطلوب فرمان داده و از عملکرد ناپسند منع می‌کند و برای تغذیه‌ی سالم امور پاکیزه را تجویز نموده و از پلیدی‌ها بر حذر می‌دارد. آن راهبر و پیشوای که از دوش انسان‌ها وظایف سنگین و زنجیرهای اسارت را برداشته تا در پرتو نور آموزه‌های اسلامی حرکت کند و با گرمی داشت مقام انسان دشمنان عنود و جهود نتوانند مانع رشد و ترقی متوازن و همه‌جانبه شوند این زمانی محقق می‌شود که سرمایه‌ی انسانی برنامه‌های نورانی نور مبین را در زندگی خود عملیاتی سازد. در این عرصه آیات متعددی در کلام وحی یافت می‌شود که به‌عنوان نمونه به مفاد و محتوای آیه ذیل توجه شود.

«يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْرِمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَ الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّرُوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف/۱۵۷)، کسی که به آموزه‌های قرآنی آشنای دارد به‌خوبی می‌داند که

آیه یادشده بیانگر ویژگی‌های برادران دینی است. همچنان که آیات قرآن به این مسئله اهتمام ویژه نموده‌اند عدل قرآن در رفتارها و گفتارهای خود نیز به این امر تأکید کرده- اند از باب مثال امام علی (ع) در منشور مدیریتی خود مالک بن حارث نخعی می- فرماید: انسان‌ها دو نوع هستند «إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ» (سید رضی، نهج البلاغه/نامه ۵۳)، با عنایت به آیه‌ی ذکرشده و فرمایش امیربیان (ع) روشن می‌گردد که این عنصر حیات بخش مورد تأکید و عنایت خاص آموزه‌های دینی بوده است و عمده دلیل آن کارکردهای بسیار سازنده‌ی آن در زندگی اجتماعی و مسائل سازمانی است؛ بدین توضیح که با حاکم شدن روحیه‌ی اخوت در رفتارها و فرهنگ‌سازمانی تنش‌ها و تضادهای نامعقول که نیروها و سازمان را به سمت فروپاشی و اضمحلال سوق می‌دهد کاسته شده و فضای هم‌دلی و صمیمیت در سازمان نهادینه می‌گردد. بدیهی است که برآیند آن استقرار اتحاد و انسجام نیروی انسانی بوده و بالطبع توسعه و تکامل متوازن حاصل می‌گردد.

۶-۲- عدالت و فقرزدایی

عدالت و فقرزدایی یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین برنامه‌ی دین مبین اسلام بوده و تحقق آن با توجه به آیات و روایات منوط به نهادینه‌سازی اخوت و برادری در جامعه- ی اسلامی است. از آنجاکه پیامبر اعظم (ص) برای برادران دینی حقوقی و وظایفی در نظر گرفته که در بخش روایی این نوشتار ذکرشده‌اند از جمله این‌که فرمودند: در یاری او بکوشد خواه ظالم باشد یا مظلوم؛ او را در برابر حوادث تنها نگذارد، آنچه را از نیکی‌ها برای خود دوست دارد برای او دوست بدارد و آنچه از بدی‌ها برای خود نمی‌خواهد برای او نخواهد (حر عاملی، ۱۴۰۹)، (۲۱۲/۱۲).

با عنایت به این کلام نورانی پیامبر اکرم (ص) اگر مسلمانان به این وظیفه‌ی ایمانی ملتزم شوند و در مقام عمل پیاده سازند بساط فقر و بی‌عدالتی از جامعه برچیده می- شود؛ زیرا با حاکم شدن روحیه‌ی انصاف و ایثار و خیرخواهی دیگر حسد، حرص و

خودخواهی جایی در میان روابط بین افراد نخواهد داشت و با رعایت موازین شرعی اعم از وظایف و تکالیف واجبی و مستحبی (زکات، خمس، صدقه و...) دیگر شاهد این همه فاصله‌ی طبقاتی نامتعادل نخواهیم بود.

با استناد به آموزه‌های دین مبین اسلام نویسنده منصف غربی ژاک آتالی درباره کارکرد و نقش برادری در تأمین عدالت اجتماعی و فقر زدایی می‌گوید: «برادری مفهومی انسانی به ابدیت می‌دهد و برای هر نسلی فرصتی فراهم می‌آورد که خوشبختی خود را در خوشبختی دیگری بجوید و برای دیگری دنیایی بهتر از آنچه خود دریافت کرده باقی بگذارد» (آتالی، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

واقعیت این است که وقتی فضای اخوت و برادری در سازمان حاکم گردد هر کسی در هر پست و مقام باشد با هر جایگاه و پایگاهی که باشد خواهان پیشرفت و تکامل خود و دیگران بر اساس عدالت است؛ از این رو هر فردی از افراد سازمان بر اساس ظرفیت و شایستگی پیشرفت کند نه تنها حسادت نمی‌ورزد که از ترقی و تکامل آن لذت برده و خواستار پیشرفت و تکامل دیگران مانند خود بر محور عدالت است.

۶-۳-رفاه فراگیر

یکی از دغدغه‌های اساسی مکاتب و نحله‌ها مسئله رفاه و آسایش فراگیر مردم است. هر دین و آیینی مدعی آن است که با اجرای قوانین و مقررات آن به عبارت دیگر با اجرای اوامر و نواهی آن، بشر به خوشبختی و سعادت نائل می‌شود. همان‌طور که ادیان

- و مذاهب مدعی سعادت و خوشبختی مردم بوده و درصدد ایجاد رفاه فراگیر مردم می‌باشند؛ فلسفه شکل‌گیری و تأسیس نهادها و سازمان‌ها نیز رفاه و آسایش فراگیر قلمداد شده است. در واقع فلسفه وجودی هر نهاد و سازمانی در روی زمین چیزی جز رفع کاستی‌ها و نیازها و فراهم نمودن رفاه و آسایش نبوده است؛ هرچند که ممکن است در عمل عکس این مطلب محقق شود ولی در بدو تأسیس حتماً جواب خواهد داد که به

خاطر فلان خلأ موجود شکل گرفته است. بعد از تأسیس و شکل‌گیری جهت تأمین رفاه و آسایش هزینه‌های سنگین پرداخته می‌کنند و ممکن است به نتیجه مطلوب هم نرسند. اما مبانی و اصول حاکم در اسلام رفاه و آسایش را برای مسلمانان تضمین نموده و فرموده است اگر در مسیر آموزه‌های دین حرکت کنید حتماً سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی شما تأمین خواهد شد.

یکی از آموزه‌های دین مبین اسلام که موجب رفاه و آسایش مردم می‌گردد مسئله اخوت و برادری است.

حسب تأکید آیات و روایات فراوان در این باره می‌توان به برخی از آن دسته روایات که مسلمانان را امر به عمل و پایبندی به این آموزه دینی نموده جهت روشن‌تر شدن و اهمیت مسئله اشاره می‌شود:

امام کاظم (ع) می‌فرماید: «انَّ خَوَاتِمَ أَعْمَالِكُمْ قِضَاءُ حَوَائِجِ إِخْوَانِكُمْ وَالْإِحْسَانُ إِلَيْهِمْ مَا قَدَّرْتُمْ وَ أَلَّا لَمْ يَقْبَلْ مِنْكُمْ عَمَلٌ» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۷۹/۷۲)، همانا مهر قبول اعمال شما، برآوردن نیازهای برادرانتان و نیکی کردن به آنان در حد توانتان است و الا (اگر چنین نکنید)، هیچ عملی از شما پذیرفته نمی‌شود.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «قال الله عزوجل: أَلْخَلْقُ عِیَالِي فَأَحِبُّهُمْ إِلَى اللَّطْفِ بِهُمْ وَ أَشْعَاهُمْ فِي حَوَائِجِهِمْ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۳)، خدای متعال می‌فرماید: مردم خانواده من هستند، پس محبوب‌ترین آنان نزد من کسانی هستند که با مردم مهربان‌تر و در راه برآوردن نیازهای آنان کوشاتر باشند؛ و نیز می‌فرماید: «مَنْ كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ الْمُسْلِمِ، كَانَ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ مَا كَانَ فِي حَاجَةِ أَخِيهِ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۹۷)، کسی که در فکر برآوردن نیاز برادر مؤمن مسلمان خود باشد تا زمانی که در فکر نیاز او هست، خداوند نیز در (فکر) نیاز وی باشد (نیازش را برطرف می‌کند) همچنین در بیان نورانی دیگر می‌فرماید: «الْمَأْمُوسِي فِي حَاجَةِ أَخِيهِ كَالسَّاعِي بَيْنَ الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۰۳)، کسی که در راه

برطرف ساختن نیاز برادر خود قدم بردارد، مانند کسی است که سعی میان صفا و مروه به جای آرد.

پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرماید: «وَمَنْ مَشَى فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَ مَنَعْتَهُ فَلَهُ ثَوَابُ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۲۸۶/۱۲)، کسی که برای کمک به برادر خود و سود رساندن به او اقدام کند، پاداش مجاهدان در راه خدا به او داده خواهد شد؛ و نیز می‌فرماید: «مَنْ قَضَى لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ دَهْرَهُ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۱/۱۶)، هر کس یک نیاز برادر مؤمن خود را برآورد، مانند کسی است که عمر خویش را به عبادت خدا سپری کرده باشد. همچنین در روایت دیگر می‌فرماید: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ، صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ» (مجلسی، ۱۳۶۴: ۳۱۵/۷۱)، کسی که در راه برآوردن نیاز برادر مؤمن خود بکوشد، گویی نه هزار سال با روزه گرفتن و شب زنده داری کردن، خدا را عبادت کرده باشد.

در عین حال که از این دست روایات در بیانات نورانی معصومین (ع) فراوان است نگارنده با توجه به وسع مقاله به همین اندازه اکتفا می‌کند.

نکته اساسی که از این روایات به دست می‌آید این است که تمام مسلمانان از باب اخوت و برادری موظف و مکلف هستند که برای تحقق رفاه و آسایش برادرانشان تمام تلاش و کوشش خویش را مبذول دارند. دلیلش هم این است که سعادت و خوشبختی خودش در گرو سعادت و خوشبختی دیگران قرار داده شده است. همچنین دانسته می‌شود که شاخص‌های ذکر شده اموری است که انسان‌ها را برای تحقق جامعه آرمانی خالی از هرگونه زشتی یاری می‌دهد تا در پرتو آن زندگی دنیایی را به بهترین وجه تجربه نمایند. برادری در این روایات گهربار در یک کلام خلاصه می‌شود و آن پسندیدن هر آنچه برای خود می‌خواهیم برای دیگران تا بهشت در زمین ترسیم گردد.

بنابراین با حاکم شدن روحیه برادری دیگر شاهد قتل عام، عقب‌ماندگی و کمبودها نخواهیم بود چراکه با عقب‌ماندگی گروهی، خود را از سعادت دور می‌بینیم. پس

می‌توان گفت تنها راه برون رفت از مشکلات پیش روی بشر ایجاد انگیزه برادری میان افراد و ملت‌ها می‌باشد تا خودخواهی‌ها و ظلم از جهان محو شود و همگان به سعادت دنیوی و اخروی رهنمون گردند تا با لذت بردن دیگران از زندگی‌شان خود نیز زندگی بهتری را تجربه کنند.



نتیجه

برپایه گزارش های یاد شده به دست آمد که قرآن کریم علاوه بر استعمال واژه اخوت در برادر نسبی، برادر خواندگی، صمیمیت و دوستی برادرانه، برادر قبیله‌ای براساس تعصب قبیله‌ای و نیای واحد، در معنای جدید که همان اخوت در دین باشد، بکار برد و تغییر و تحول اساسی به حوزه معنایی و لغوی آن افزوده و از ماهیت انحصاری و انسانی و قبیله‌ای خارج کرد و از این طریق به خلق فرهنگ و معنای جدید و گسترده از واژه اخوت پرداخت که موجب ابطال عصبيت قبیله‌ای و نسبی و قومی گردید. کاربست این بار معنایی از اخوت قرآنی که به اخوت دینی و برادری اعتقادی تعبیر شد، باعث شد فرهنگ «الأخوة فی نسب» همراه با معیارهای جاهلی خود در صحنه زندگی اجتماعی و سیاسی اعراب تعدیل شده و فرهنگ «الأخوة فی الدین» جای آن را بگیرد.

فرهنگ اخوت دینی مبتنی بر آموزه‌های قرآنی اکثر معیارهای نژادی و خونی را که باعث تفاخر و تکاثر و تضاد بود، طرد کرده و برادر دینی را جانشین آن ساخت. خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام دستور می‌دهد که اخوت و برادری در میان مسلمانان نهادینه سازد و این امر در زمانی اتفاق می‌افتد که مردم آن عصر با نزاع‌های درونی و طاقت فرسای قومی، قبیله‌ای، نژادی و برتری جویی‌های پوشالی، حسادت، کینه‌ورزی و... دست و پنجه نرم می‌کردند و خداوند متعال تنها راه برون رفت از این معضلات عظیم و ویرانگر را ایجاد اخوت و برادری قلمداد می‌کند و بهترین راه انسجام و یکپارچگی میان امت اسلامی را در پیمان برادری و تفکر اخوانی ذکر می‌نماید. بنابراین اگر در جامعه و یا سازمانی پیوند اخوت و برادری نهادینه شود و مردم به لوازم آن پایبند باشند حتماً رشد و شکوفایی و ثمرات از قبیل توسعه و تکامل، عدالت و فقرزدایی و رفاه فراگیر برقرار خواهد شد دلیلش هم همان‌طور که ذکر شد این است که مردم هر آنچه که خود می‌پسندند و برای خود می‌خواهند برای دیگران نیز می‌خواهند. بنابراین روشن است که با برقراری و ایجاد اخوت و برادری دیگر شاهد تضاد و تعارض و رقابت‌های ناسالم که امروزه در تار پودر سازمان‌ها ریشه دوانده است نخواهیم بود.

منابع

قرآن کریم

ابن أبی جمهور، محمد بن زین الدین، (۱۴۰۵ ق)، عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، دار سید الشهداء للنشر، قم، چاپ اول.

ابن خلدون، عبد الرحمان بن محمد، (بی تا)، مقدمه ابن خلدون، ناشر مصطفی محمد، قاهره.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ - ۱۳۶۳ ق)، تحف العقول، جامعه مدرسین، قم، چاپ دوم.

آتالی، ژاک، (۱۳۸۱)، برادری آرمانشهری نوین، ترجمه فیروزه دیلقمانی، نشر فرهنگ و اندیشه، تهران.

پابنده، ابو القاسم (۱۳۸۲ ش)، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ ق)، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتاب الاسلامی، قم.

جواد علی، (۱۴۱۳ هـ ق)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، جامعه بغداد، بغداد، الطبعة الاولى.

جوادی آملی، عبد الله، (۱۳۸۸)، اسلام و روابط بین الملل، مؤسسه اسراء، قم. چاپ اول.

حتی، فیلیپ؛ (۱۳۶۶)، تاریخ عرب، آگاه، تهران، چاپ اول.

حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ القرآن، دارالعلم
الدارالشامیه، دمشق بیروت.

شریف الرضی، محمد بن حسین - دشتی، محمد، (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، ترجمه دشتی،
مشهور، قم، چاپ اول.

طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات
اسلامی جامعهی مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران،
چاپ سوم.

طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ ق)، الأملی (للطوسی) دار الثقافة، قم، چاپ اول.

عمر فروخ، (۱۹۸۴ م)، تاریخ الجاهلیة، دارالعلم للملایین، الطبعة الاولى، بیروت.

کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، الکافی (ط - الإسلامية)، دار الکتب الإسلامية،
تهران.

مجلسی محمدباقر؛ (۱۳۶۴)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الأئمة الطهار، دارالکتاب
اسلامیه، تهران، چ دوم.

مصطفوی حسن، (۱۳۶۰ ش) التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بنگاه ترجمه و نشر،
تهران.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامية، تهران، چاپ اول.